

# ساختار کلاس درس

بعضی از معلمان کلاس درس را یک ساختار رسمی با سلسله مراتب اقتدار در نظر می‌گیرند. این معلمان بر رعایت قواعد و مقررات، نظم و انضباط دقیق، استفاده از قدرت رسمی و انتقال مطالب درسی تأکید می‌ورزند. معلمان معتقد به روابط انسانی، کلاس درس را یک گروه اجتماعی تلقی می‌کنند و بر روابط دوستانه، صادقانه و صمیمی اصرار دارند و بیشتر از قدرت شخصی یعنی تخصص، جذابیت و مرجعیت استفاده می‌کنند. معلمان معتقد به دیدگاه سیستمی کلاس را یک سیستم باز در نظر می‌گیرند که در کنش و واکنش با محیط بیرونی است. این گونه معلمان به ساختار رسمی و سازمان غیررسمی هر دو توجه دارند. از انواع اقتدار، با توجه به شرایط و اقتضای موقعیت، بهره می‌برند. این معلمان کلاس درس را یک سیستم باز در نظر می‌گیرند و بر ایجاد ارتباط با اولیای دانش‌آموزان و درگیر نمودن آن‌ها در تعلیم و تربیت فرزندانشان تأکید می‌کنند.

در مقاله دوم، باورهای معلم دربارهٔ خودش در قالب مفهوم خودکارآمد پنداری پرداخته شد. «کارآمدی معلم»، «احساس کارآمدی معلم» و «خودکارآمدی معلم» به عنوان باور معلم نسبت به توانایی‌اش در تأثیر گذاردن مثبت بر یادگیری دانش‌آموز، «باورهای معلمان دربارهٔ مهارت‌ها و توانایی‌هایشان در دستیابی به نتایج مطلوب یادگیری توسط دانش‌آموزان» یا «قضاوت معلم دربارهٔ توانایی‌ها و

معلم برای این که کار خود را به طور مؤثر انجام دهد، هم‌چون سایر پیشه‌ها نیازمند شایستگی‌های ویژه است. او با تعلیم و تربیت دانش‌آموزان سروکار دارد، اما «تعلیم و تربیت، بزرگ‌ترین و دشوارترین مسئله‌ای است که انسان با آن درگیر است». (کانت، ۱۳۷۴) بنابراین نمی‌توان چنین امر خطیری را بر عهدهٔ شخصی گذاشت که صلاحیت لازم را برای این امر نداشته باشد. پس معلم باید صلاحیت‌هایی داشته باشد تا بتواند مسئولیت خطیری را که بر عهدهٔ اوست، به نحو احسن انجام دهد.

## عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش

طی چند مقاله‌ای که در شماره‌های قبلی از نظر خوانندگان گرامی گذشت، سعی شد تا عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش معرفی شود. در مقاله اول برخی باورهای غیرمنطقی معلمان معرفی و اشاره شد که می‌توانند باعث برانگیختن سریع و حتی آشفتنی آن‌ها در برابر رفتارهای دانش‌آموزان و در نتیجه بروز واکنش نامناسب در معلمان شوند. معلمان با توجه به نگرش، دانش، بینش و تصوراتشان از تعلیم و تربیت، روش‌ها، اهداف آموزشی، ساختار سازمان، اقتدار و مفهوم مدیریت، به کلاس درس به گونه‌ای خاص نگاه می‌کنند. به طور کلی مدیریت کلاس درس با توجه به نظریات کلاسیک، روابط انسانی و یا سیستمی انجام می‌شود.



قابلیت‌هایش در رسیدن به نتایج مطلوب در یادگیری و فعالیت دانش‌آموز، حتی در مورد دانش‌آموزانی که مشکل‌دار یا بی‌انگیزه هستند» تعریف شده است. هر چه کارآمدی فردی و عمومی تدریس معلمان بالاتر باشد، نمرات پیشرفت دانش‌آموزان هم بالاتر است. علاوه بر این، کارآمدی معلم به انگیزش و نگرش دانش‌آموزان به موضوع درسی بستگی دارد. معلمان با کارآمدی بالا قادرند بر انگیزه دانش‌آموزان در خصوص یادگیری تأثیر گذاشته و در نتیجه کارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان هم افزایش می‌یابد. هم‌چنین معلمان با احساس کارآمدی قوی نسبت به ایده‌های جدید باز برخورد می‌کنند. این‌گونه معلمان با نوآوری‌های آموزشی سازگاری بیشتری نشان می‌دهند، رویکردهای تدریس مختلفی را به کار می‌برند و برای تأمین و برآورده ساختن نیازهای دانش‌آموزان روش‌های بهتری را می‌یابند.

در چند مقاله، برخی ویژگی‌های معلمان اثربخش معرفی شد. ویژگی‌های معلم صفات نسبتاً ثابتی هستند که با فعالیت‌های حرفه‌علمی مرتبط بوده و بر آن مؤثر است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: تعهد، اعتماد، اعتبار، احترام، تفکر تحلیلی، تفکر مفهومی، انگیزه برای پیشرفت، جست‌وجوگر اطلاعات، ابتکار عمل، انعطاف‌پذیری، مسئولیت/ پاسخ‌گویی، اشتیاق به یادگیری (شور و شوق آموختن)، انحدار علمی، علاقه و اشتیاق نسبت به موضوع مورد تدریس، علاقه به دانش‌آموزان و شوخ‌طبعی.

علاوه بر ویژگی‌هایی که اشاره شد، برخی مهارت‌های ارتباطی وجود دارد که با یادگیری و تسلط بر آن‌ها می‌توان برخورد مؤثرتری با دانش‌آموزان داشت. مهارت‌ها و روش‌هایی که برای کارایی بیشتر معلمان طی چند مقاله آتی (در سال تحصیلی آینده) ارائه خواهد شد، زمان بیشتری را برای تدریس موضوع خاصی که به عهده دارند، به خود اختصاص می‌دهند. هم‌چنین با روش‌های معرفی شده فرصت مضاعفی به وجود می‌آید تا در آن آموزش واقعی جریان یابد. بدین ترتیب در هر مقاله حداقل یک مهارت جدید را معرفی خواهیم کرد که تأثیر هر کدام از آن‌ها توسعه‌چیزی است که آن را «زمان تدریس- یادگیری» یا «یاددهی- یادگیری» می‌نامیم؛ یعنی اوقاتی را که معلمان از طرف دانش‌آموزان فرصت می‌یابند درس دهند (کار خودشان را بکنند) و دانش‌آموزان از طرف معلمان خود به یادگیری ترغیب شوند.